

و فرموده است که اسامی خفه مراد از آن موضع بر این خیمه و بر این بخارده اند و در این
 می بوده است چنانکه وقت طغیان آن کشته شد و در اینجا هیچ غریبی واقع نشده
 و قاتل وی در سنه ثلاث و ثمان ماه بوده است و قبر وی در تبریز است و بر لوح قبر
 وی این نوشته اند **قد** کمال زکته رفی بود یارب هزار سالین
 مرطه رفی **مولانا محمد شریف شریف رحمة الله تعالی** و میر شیخ اسماعیل
 سیوا است که وی از اصحاب شیخ نورالدین عبدالرحمن سفلی است قدس سره
 و گویند در بعضی سیاحت بدایر مغرب رسیده است و اینجا از دست یکی از مشایخ که
 نسبت وی بدین شیخ بر کوه شیخ لیتا چری قدس الله تعالی سره میر رسیده است
 خرقه پوشیده با شیخ کمال بخند می معاصر بوده رحمة الله تعالی و صحبت می داشته
 گویند که در آن وقت که شیخ این مطلع گفته بوده است **بیت**
 چشم اگر اینست و این و ناز و شیوه این **الوداع ای زهد و تقوی الفرائض**
 چون مولانا رسیده گفته است که شیخ فلیلان بر مرکب چراغی بایده گفت که خبر معنی
 بجای می بخشد و بگوید که داشته باشد شیخ آنرا شنیده است از وی استند عای صحبت کرده
 و خود مطلع قیام نموده و مولانا نیز در آن خلعت موافقت کرده و در آن است شیخ این
 مطلع را بخواند است و فرموده است که چشم عین است پس می شاید که بلسان شاد است
 از عین قدیم که داشت با آن تهنیت کند و برو حاجب است می تواند بود که آنرا شاد است
 صفات حاجب داشت و از نزد دست مولانا قاضی نموده است و اقصای داده

و شیخ اسماعیل سیوا رحمة الله تعالی در ولایتان باد و از بعضی می باشد که شریعت
 مولانا را این طلب داشته است مولانا این غزل را گفته و بعضی در ساینده **وای**
 مامهر بودیم ز دانات کدشتیم **از جمله صفات این می آن دات کدشتیم**
 در خلوت تار یک ریاضات کشیدیم **در واقعه از سبع سنوات کدشتیم**
 دیدیم که اینها همه خوابت و خیال است **مرزانه ازین خواب دنیا لاند کدشتیم**
 ای شیخ اگر بیدار کالات تو ایست **خوش باش که این جمله کالات کدشتیم**
 اینجا حقیقت همه آفات طریقت **مادر طایفه از جمله آفات کدشتیم**
 ما از پی نوری که بود مشرق نوار **از معشرتی مغربی و کوبک و مشکات کدشتیم**
 چون شیخ این غزل را شنید وقت وی خوش شد و استعجاب نمود و خدمت مولانا
 در سن شصت سالگی وفات کرده در سنه تسع و ثمان ماه رحمة الله تعالی **وای**
احسانات الوصالک الی مرآت الرجا **وای لسان الغیب و رجا الاسلام**
 بسا اسرار غیبیه و معانی حقیقه که در کسوت صورت و لباس مجاز با نموده هر چند
 معلوم نیست که او دست ارادت پیری گرفته باشد و در تصوف پسکی ازین طایفه است
 درست کرده باشد اما سخنان وی چنان بر مشرب این طایفه واقع شده است که هیچکس
 آن اقوال و مقیاده بی از غریبان سلسله خواب حاکمان ما قدس الله تعالی سرا و هم نموده
 که هیچ دیوان به از دیوان حافظ نیست اگر مرصوفی باشد و چون استعاره و تزیینات
 شهید نیست که با مراد اینجاست داشته باشد **لا حرم خان** نام از مرصوف و کرده و

شیخ اسماعیل سیوا رحمة الله تعالی
 در ولایتان باد و از بعضی می باشد که شریعت

۶۵
 ۶۶
 ۶۷